

بن‌مایه‌های «حکومت‌مندی مدرن دینی» در دوره پیشامشروطه؛ با تأکید بر رساله یک کلمه مستشارالدوله

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۶

سمیه حمیدی^۱

بیگم نصری^۲

حسین فرزانه‌پور^۳

چکیده

آگاهی از مسئله عقب‌ماندگی ایران در عصر قاجار، روشنفکران را در تأمل علل این امر، متوجه معایب حکومت در ایران و تحول در آن را عامل گشایش پیشرفت و ترقی در مغرب‌زمین نمود. تلاش برای فهم زوایای تجدد در غرب و الگوبرداری از آن، به گسست معرفتی در اندیشه این گروه نسبت به مبانی هویتی انجامید. به‌گونه‌ای که بعضاً آنان دین را عامل عقب‌ماندگی و فروکاست جامعه ایران و در تضاد با مدرنیته، و اسلام را ناتوان از ارائه الگوی بدیلی برای تحول در ساختار اجتماعی- سیاسی تلقی می‌کردند. مستشارالدوله از جمله روشنفکران عصر قاجار در تلاش است تا با انطباق گزاره‌های حکومت‌مندی مدرن با نص قرآن، مدرنیته را قابل انطباق با اسلام نشان دهد. این مقاله در تلاش است تا نحوه تفسیر و انطباق نص قرآن و روایات با گزاره‌های حکومت‌مندی مدرن را براساس تحلیل متن رساله یک‌کلمه براساس روش توصیفی- تحلیلی انجام دهد. دستاورد پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تلاش در جهت ارائه قرائتی از همسازی اسلام و مدرنیته و در راستای فهم خوانشی بومی و دینی از حکومت‌مندی مدرن با اتکا به نص قرآن و روایات و تأکید بر جامعیت دین اسلام نسبت به اندیشه مدرن در غرب، هدف اصلی نگارش آن بوده است. این مقاله ضمن طرد رویکردهای غالب زمانه خود، یعنی دوره پیشامشروطه مبنی بر ناسازگاری دین و مدرنیته و استفاده ابزاری از دین، خوانش جدیدی از آن ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: حکومت‌مندی، فوکو، مستشارالدوله، اسلام، مدرنیته

۱ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول) somaye.hamidi@birjand.ac.ir

۲ کارشناسی ارشد علوم سیاسی؛ bigom.nasari@birjand.ac.ir

۳ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند؛ hfarzanepour@birjand.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

مواجهه ایرانیان با تجدد در عصر قاجار، به ظهور مفهوم عقب‌ماندگی ایران انجامید. ضرورت تأمل در این حوزه سبب شد تا قشر نوظهوری تحت عنوان روشنفکر به نظورزی در باب اسباب و علل این امر بپردازند و ماهیت حکومت در ایران را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عقب‌ماندگی کشور برشمارند. این گروه به‌دنبال آشنایی با ماهیت حکومت‌مندی مدرن در غرب، در تلاش برای الگوسازی از آن در ایران بودند و تحت‌تأثیر مظاهر تمدن غرب خواستار الگوبرداری از مدرنیته غربی، به‌ویژه در حکومت‌مندی و الگوی نظام سیاسی، بودند. روشنفکران عصر قاجار شیفته تجدد بودند، از این‌رو راه برون‌رفت جامعه از بحران را در کنار گذاشتن سنت و مذهب و الگوبرداری صرف از حکومت‌مندی مدرن در غرب می‌دانستند. از جمله این روشنفکران آخوندزاده و ملک‌خان بودند که قائل به مغایرت اسلام با مدرنیته بودند و مذهب را ناتوان از ارائه الگو برای اداره امور اجتماعی-سیاسی در راستای مقتضیات جدید می‌دانستند. علی‌رغم غلبه اندیشه‌های ضد‌مذهبی یا تلاش برای استفاده سطحی و ابزاری از دین، اندیشه‌های موافق همسویی اسلام و حکومت مدرن را در این دوره نیز می‌توان مشاهده کرد. نخستین کوشش در این راه از سوی مستشارالدوله و با انتشار رساله یک کلمه آغاز شد.

مستشارالدوله از جمله روشنفکران این عصر است که برخلاف جریان روشنفکری این دوره، نه تنها به ستیز و عنان با مذهب نپرداخت، بلکه تلاش کرد تا با انطباق نص قرآن با مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن به ارائه قرائتی جدید از دین در راستای انطباق اسلام و مدرنیته بپردازد و باطن اسلام را حاوی اندیشه‌های مترقی، مدرن و کارآمد برای ایجاد نظام سیاسی-اجتماعی جدید نشان دهد. از این‌رو اولین رگه‌های طرح دموکراسی اسلامی و تلاش برای انطباق گزاره‌های حکومت‌مندی مدرن با دین را می‌توان در اندیشه او مشاهده نمود.

هدف و سؤال پژوهش

هدف این مقاله نشان‌دادن وجود رگه‌های تفکر در حکومت دینی در دوره پیشامشروطه است. چراکه بیشتر پژوهش‌ها بر این نکته تأکید دارند که روشنفکران پیشامشروطه بیشتر بر حکومت غیردینی تأکید دارند. همچنین مقاله تأکید بر استخراج حکومت دینی از درون آیات و روایات را

امری می‌داند که ریشه در این دوره دارد، حال آنکه بیشتر محققین معتقدند که این امر از سوی روشنفکران دینی عصر پهلوی دوم روی داده است. مسئله در این مقاله آن است که بن‌مایه‌های حکومت‌مندی مدرن اسلامی در رساله یک‌کلمه چیست؟ فرضیه این است که تلاش در جهت انطباق میان مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن با نص قرآن و روایات با تأکید بر سازگاری اسلام و مدرنیته بن‌مایه نظریه حکومتی رساله یک‌کلمه را تشکیل می‌دهد.

پیشینه پژوهش

درخصوص پیشینه پژوهش باید گفت درباره اندیشه مستشارالدوله هرچند آثاری نگاشته شده است که مهم‌ترین آنها جستجوی قانون اثر پاشا زاده (۱۳۹۱) و مبانی دولت مدرن در اندیشه متفکران عصر مشروطه از شاه‌محمدی (۱۳۹۴) هستند؛ اما پژوهشی درخصوص تلاش او برای انطباق میان گزاره‌های مدرنیته و حکومت مدرن با آموزه‌های نص قرآن صورت نگرفته است.

چارچوب نظری؛ حکومت‌مندی فوکو

اصطلاح حکومت‌مندی مفهومی است که اولین بار توسط میشل فوکو در اواخر سال‌های زندگی‌اش، استفاده شد (Dean, 1999: 73-90). او حکومت‌مندی را به مسئله‌ساز بودن حکومت مربوط دانسته و از مفهوم حکومت‌مندی به‌عنوان ابزار یا رهنمودی برای تحلیل استفاده کرد که بر پیوند بین اشکال حکومت و عقلانیت یا سبک‌های اندیشه درباره حکومت کردن تأکید دارد و اعمال حکومت را توجیه، مشروع و عقلانی جلوه می‌دهد (Dupont, 2004: 20-22). حکومت‌مندی به اعمال و محدودکردن قدرت در جامعه می‌اندیشد. در این شیوه نگرش، قدرت به‌لحاظ عملیاتی شدن باید و جوهی از خرد تکنولوژیک را به‌همراه داشته باشد و میانه ذهنیت سیاسی و عینیت امر عمومی به لحاظ تأثیرگذاری و جوه تکنیکی در نظر گرفته شود (آبدی، ۱۳۸۸: ۴۲).

در نظر فوکو حکومت‌مندی به سه دوره تقسیم می‌شود که هرکدام دارای ویژگی‌هایی است:

- ۱- حکومت‌مندی در عصر متافیزیک (سنتی) که به‌صورت فردی، کیفی و اندرزنانه‌ای است (ابادری، ۱۳۷۷: ۲۴۷).
- ۲- حکومت‌مندی در عصر فیزیک (مدرن) که به‌صورت مکانیکی، بروکراتیک و کمی است (پالومبو، ۱۳۸۸: ۱۸۰).
- ۳- حکومت‌مندی در عصر اطلاعات که به‌صورت مجازی و سایبری است. در حکومت‌مندی متافیزیک یا سنتی، ضمانت اجرا برای

گزاره‌های بهبود امر سیاسی و استانداردهای بیرونی جهت طراحی، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها وجود نداشت (Lagenddik, 2009: 3-5) اما حکومت‌مندی مدرن در عرصه سیاست توانست تکنیک‌هایی خلق کند که این تکنیک‌ها باعث بالارفتن کیفیت و صفات حکمرانی گردید (اسلامی و ذوالفقاریان، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۴).

به این ترتیب، عامل اصلی در تفاوت الگوهای اعمال و محدودکردن قدرت در هریک از سه دوره باز می‌گردد. در حکومت‌مندی متافیزیک ضمانت اجرا برای گزاره‌های بهبود امر سیاسی و استانداردهای بیرونی جهت طراحی، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها وجود نداشت (Foucault, 2007: 160-167) اما حکومت‌مندی مدرن در عرصه سیاست توانست تکنیک‌هایی خلق کند که این تکنیک‌ها باعث بالارفتن کیفیت و صفات حکمرانی گردید (اسلامی، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

جدول شماره ۱. مقایسه حکومت‌مندی سنتی و مدرن

نوع حکومت‌مندی	حکومت‌مندی سنتی	حکومت‌مندی مدرن
مؤلفه‌های حکومت‌مندی	اخلاق، کاریزما، عدالت، فره، فضیلت، اشراف، استبداد، پدرسالاری، عصمت	بروکراسی، دموکراسی، تفکیک قوا، رأی، انتخابات، مدیریت، تفکیک مشاغل، مجلس، تخصص، قانون، شهروندی، حقوق بشر
سوژه‌های حکومت‌مندی	رعیت	شهروند ملی

با مقایسه تفاوت حکومت‌مندی سنتی و مدرن می‌توان گفت که حکومت‌مندی مدرن دارای شاخصه‌هایی بود. اصلی‌ترین مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن عبارت‌اند از: دولت ملی، قرارداد اجتماعی، قانون اساسی، تفکیک قوا، نهادهای علمی، دموکراسی، جامعه مدنی، حقوق بشر. این مؤلفه‌های هشت‌گانه از اولویت و ترتیب خاصی در اندیشه فوکو برخوردار نیستند؛ بلکه صرفاً به‌نوعی عناصر حکومتی در دوره مدرن را در اندیشه فوکو نشان می‌دهد. لذا هیچ‌یک از این عناصر نسبت به دیگری از برتری یا اولویت برخوردار نیستند.

حکومت‌مندی مدرن در اندیشه فوکو دارای موضوعاتی نیز است که در سه محور عقلانیت‌ها، تکنولوژی‌ها و سوژه‌های حکومت دسته‌بندی شده است که عبارت‌اند از:

۱- **عقلانیت‌ها/خرده‌های حکومت:** اولین موضوع در ادبیات حکومت‌مندی، عقلانیت‌های حکومت (خرده‌های سیاسی) است. عقلانیت‌های سیاسی به معنای دستگاه‌های فکری است که

واقعیت را قابل تفکر، قابل محاسبه و اجرا جلوه می‌دهند. این عقلانیت‌ها بر استدلال سیاسی نهفته در گفتمان حکومتی، زبان و واژگان حکومت سیاسی دلالت دارند که تمامی اینها به یک کردار حکومتی اقتدار می‌بخشند. به‌طور خلاصه، عقلانیت‌های سیاسی به معنای زمینه‌ای است که در آن، تلاش‌های زیادی برای عقلانیت‌ساختن ماهیت‌ها، اهداف و مکانیسم‌های اقتدار حکومتی صورت می‌گیرد (Inda, 2005: 5-7). لذا توجه به مقولهٔ عقلانیت جایگاه ویژه‌ای در فهم مفهوم حکومت‌مندی مدرن دارد.

۲- تکنیک‌ها/ تکنولوژی‌های حکومت: دومین موضوع در تحلیل حکومت‌مندی، تکنولوژی‌ها و تکنیک‌های حکومت است، یعنی اینکه چگونه حکومت، شکل تکنولوژیکی به خود می‌گیرد. این شکل حکومت، به حوزهٔ مکانیسم‌های عملی، ابزارها، محاسبات، رویه‌ها، دستگاه‌ها و اسنادی مربوط می‌شود که سازمان‌های گوناگون سعی دارند از طریق آنها، رفتار، اندیشه، تصمیم و خواست دیگران را به منظور نیل به اهدافی که خودشان مطلوب می‌دانند، شکل دهند، به‌هنگام و ابزاری کنند (Rose and Miller, 1992: 2). این حوزه شامل مجموعه‌ای از تکنیک‌ها، ابزارها، اهرم‌ها و برنامه‌هایی است که سعی دارند اندیشه را به عمل تبدیل کنند و در نتیجه خرده‌های حکومت (عقلانیت‌های سیاسی) را تحقق بخشند.

۳- سوژه‌های حکومت: سومین موضوع حکومت‌مندی سوژه‌های حکومت است. یعنی انواع خودها، افراد، کنش‌گران و هویت‌هایی که در اثر یک کردار حکومتی شکل می‌گیرند یا آن را اطلاع‌رسانی می‌کنند. میشل دین (1999: 32) معتقد است که محققان حکومت‌مندی در رابطه با موضوع سوژه‌های حکومت سؤالاتی در رابطه با پایگاه‌های حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان، رفتار و وظایف متقابل آنها مطرح می‌کنند.

این مؤلفه‌ها و موضوعات حکومت‌مندی مدرن در اثر آشنایی روشنفکران با غرب بر اندیشه‌شان تأثیر گذاشت. از این‌رو در این پژوهش درصددیم تا با تکیه بر مؤلفه‌های هشت‌گانه حکومت‌مندی مدرن به بررسی رسالهٔ یک کلمه بپردازیم.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بر مبنای تحلیل متن اصلی رسالهٔ یک کلمه و انطباق آن با مفهوم حکومت‌مندی مدرن در اندیشهٔ میشل فوکو است. برای انجام این کار ابتدا عناصر

هشت‌گانه حکومت‌مندی شامل (دولت‌ملی، قرارداد اجتماعی، قانون اساسی، تفکیک قوا، نهادهای علمی، دموکراسی، جامعه مدنی و حقوق بشر) و سپس مقولات محوری حکومت‌مندی در قالب سه عنصر (عقلانیت/خرد حکومت، تکنیک‌ها/ تکنولوژی حکومت و سوژه‌های حکومت) با متن اصلی رساله یک کلمه انطباق داده شده و داده‌ها استخراج شده‌اند. در واقع نحوه ادراک حکومت‌مندی مدرن براساس مقولات مذکور مورد توجه بوده است.

یافته‌های پژوهش

شاخصه‌های حکومت‌مندی فیزیکال دینی در رساله یک کلمه

در ادامه تلاش می‌کنیم عناصر هشت‌گانه حکومت‌مندی مدرن در اندیشه فوکو را با رساله یک کلمه انطباق دهیم. لازم به ذکر است که در اندیشه فوکو این عناصر از اولویت و ترتیب خاصی برخوردار نیستند و صرفاً مجموع آنها نشان‌دهنده عناصر حکومت‌مندی در عصر مدرن هستند.

۱- ملی

مستشارالدوله حاکمیت حقیقی را از آن خدا می‌داند و حتی شاه، گدا و رعیت را دارای حق حکم نمی‌داند و در رساله خود این‌گونه بیان می‌کند: «آفریدگان از شاه و گدا و رعیت و لشگر هیچ‌یک حق حکم ندارد... شریعت اسلام و نظریات علمای یورپا در این باب متفق است که حاکم یزدان است» (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۶۲-۶۳). به عبارتی دیگر او منشأ حاکمیت را از آن خدا و اراده ملت را در طول اراده الهی می‌داند.

مستشارالدوله تحت تأثیر قانون اساسی و نظام حکومتی فرانسه خواستار پیشرفت و ترقی ایران از طریق استقرار یک حکومت مشروطه و مبتنی بر قانون بود. از این رو در رساله‌اش می‌کوشد این خواسته را با وضع ایران و سنت‌های ملی و اسلامی تلفیق کند (شاه‌محمدی، ۱۳۹۴: ۱۱۸). او برای نخستین بار از حکومت ملی سخن گفت و منشأ قدرت را اراده جمهور ملت دانست. وی در رساله‌اش در این خصوص نوشت: «اختیار و قبول ملت اساس همه تدابیر حکومت است و این کلمه از جوامع‌الکلم است و در نزد صاحبان عقول، مرتبه صحتش را حاجت تعریف نیست» (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۳۹-۳۸). مستشارالدوله برای ایران عصر خود، حکومت سلطنتی مقننه را پیشنهاد می‌کرد. طبق گفته او مجلسی که از رجال دانش، معرفت و ارباب سیاست و براساس کتب معتبره اسلام و همه قوانین دول متمدنه، قوانینی جامع و مورد قبول ملت تدوین کند، می‌تواند به

تنظیم امور کشور پردازد. او حافظ قانون را مجلس معرفی می‌کند. از نظر مستشارالدوله پادشاه فراتر از قانون نیست (همان: ۱۴). لذا وی به‌نوعی به حاکمیت پارلمان بر کشور معتقد است.

۲- قرارداد اجتماعی

پذیرش الگوی حکومت قانونی از سوی مستشارالدوله مبتنی بر دریافت وی از انسان و جایگاه او به عنوان خلیفه‌الله در زمین است؛ از سوی دیگر، نظریه حکومت قانون نزد وی مبتنی بر قرارداد، بر دریافتی از فرمانروایی سیاسی استوار است که اقتدار سیاسی را برآمده از رضایت اعضای اجتماع سیاسی می‌داند. این دریافت مقوله‌های حق، آزادی، برابری و تأسیس نظم سیاسی را گامی در جهت بهره‌برداری بیشتر شهروندان از حقوق خود در نظر می‌گیرد (کاظمی‌زمهریر، ۱۳۹۳: ۱۰۶). از نظر مستشارالدوله، احقاق حقوق شهروندی و تأمین آزادی‌های شهروندان وابسته به ایجاد حکومت قانون و نهادهای آن است (علیزاده‌بیرجندی، ۱۳۹۱: ۲۲۰). او به‌نوعی معتقد به تأسیس نظم سیاسی بر مبنای قرارداد اجتماعی و توافق میان ملت و دولت است.

۳- قانون اساسی

مستشارالدوله رساله‌اش را یک کلمه نام نهاد و مقصودش آن بود که راه نجات ایران از عقب‌مانگی یک کلمه است و آن قانون می‌باشد که اگر در کشور قانون حاکمیت داشته باشد، همه مسائل حل می‌شود (مزینانی، ۱۳۸۹: ۲۲۶). به همین دلیل در سراسر رساله‌اش از قانون، قانون‌مداری و تأکید بر اجرای قانون به عنوان رمز پیشرفت یاد می‌کند (موثقی، ۱۳۸۵: ۱۶۴). وی در ابتدای رساله خود قانون را با عبارت 'کود' یاد می‌کند و اینگونه می‌نویسد: «یک کلمه که جمیع انتظامات فرنگستان در آن مندرج است، کتاب قانون است که جمیع شرایط و انتظامات معمول‌بها که به امور دنیویه تعلق دارد... شاه و گدا و رعیت و لشگر در بند آن مقید هستند و احدی قدرت مخالفت با کتاب آن را ندارد» (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۸). او علت پیشرفت و ترقی اروپاییان را در وجود قانون می‌داند و به مقایسه با ایران می‌پردازد. از این رو در رساله‌اس می‌نویسد: «... چرا از حالت ترقی سایر ملل اندیشه نمی‌کنید، همسایه شما وحشیان کوهستان را داخل دایره مدنیت کرده و هنوز شما منکر ترقیات فرنگستان هستید... در همسایگی شما، جمیع کارها و امورات اهالی در محکمه‌های منتظمه از روی قانون بر وفق حقانیت فیصل می‌یابد؛ در دیوان‌خانه‌های شما

هنوز یک کتاب قانون نیست که حکام عرف تکلیف خود را از روی آن بدانند» (همان: ۵). البته او وجود قانون در اروپا را صرفاً برای بهبود و تنظیم کارهای دنیوی معرفی می‌کند نه سعادت اخروی. هرچند وی معتقد است که دستورات شرع اسلام به سعادت دنیوی و اخروی انسان منجر می‌شود، لذا متکامل‌تر است.

او علمای دینی را از رهبران تحول در جامعه می‌داند و به ایرانیان توصیه می‌کند که «بر خود و اخلاف خود ترحم کرده، به معنویت و ارشاد و اولیای دولت و به اتفاق و اتحاد علمای دین راه ترقی خود را بیابید» (همان: ۶). او لزوم قانون را اساس اصلاحات مملکتی و رفاه و سعادت افراد می‌داند. مستشارالدوله برای رهایی از عقب‌ماندگی ایران راه‌هایی را پیشنهاد می‌کند و آن وضع یک قانون کلی و اساسی برای اداره جامعه و اجرای آن به صورتی است که ملت و دولت از آن پیروی کنند (کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۰۵-۲۰۴). از این رو در باب لزوم تدوین قانون اساسی صحبت می‌کند و این‌گونه در رساله‌اش بیان می‌کند: «مراد من کتابی است که جامع قوانین لازمه و سهل‌العبار و سریع‌الفهم و مقبول ملت باشد» (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۱۴). در نگرش او قانون اساسی که در آن همه افراد جامعه برابر باشند جایگاه ویژه‌ای در تحول جامعه دارد.

او به‌رغم تأثیرپذیری از غرب با تقلید کورکورانه و بسنده کردن به ظواهر غربیان مخالفت می‌کند و در این مورد چنین می‌نویسد: «نویسندگان در تألیف کتاب باید به بنیان و اصول اداره کشور توجه داشته باشند و تنها از صنایع غرب تعریف و تمجید نکنند» (همان: ۴). همچنین در نامه‌ای مفصل به مظفرالدین‌شاه، بر ضرورت قانون تأکید کرده و اصلاح کشور را مبتنی بر آن دانسته است. او در اواخر نامه یادآور می‌شود: «وضع قانون هرگز منافی مذهب حقه اسلام نیست و خلل و نقصی به دین و اسلامیان نمی‌رساند» (کرمانی، ۱۳۵۷: ۱۷۶-۱۷۲). مستشارالدوله معتقد بود که توجه به تحولات جدید سیاسی در جهان و وضع قانون نه تنها با اسلام تعارضی ندارد، بلکه دین اسلام، توصیه می‌کند که مردم، مجلس شورا تشکیل دهند تا نمایندگان آنها با وضع قوانین بر اداره امور کشور نظارت داشته باشند (قدیانی، ۱۳۹۲: ۸۶). او به دنبال انطباق تحولات جدید و آموزه‌های دینی است.

مستشارالدوله همچنین معتقد بود که در دین اسلام قوانینی مشابه قوانین اروپایی وجود دارد؛ او تا جایی پیش می‌رود که قوانین اسلامی را برتر از قوانین اروپایی می‌داند: «حال اگر به مشتملات کود (قانونی) فرانسه و سایر دول متمدنه عطف نظر کنید، خواهید دید که تداول افکار

امم و تجارت اقوام عالم چگونه مُصدِّقِ شریعت اسلام اتفاق افتاده و خواهید فهمید که آنچه قانون خوب در فرنگستان هست و ملل آنجا به واسطهٔ عمل کردن به آنها خود را به اعلیٰ درجه ترقی رسانیده‌اند، پیغمبر شما هزار و دویست سال قبل از این برای ملت اسلام معین و برقرار فرموده» (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۱۵). از این رو عقیده داشت که در تدوین قانون اساسی باید از احکام و قوانین اسلام استفاده کرد (همان: ۱۴). در واقع او معتقد بود که تمدن نوین غرب در بطن اسلام وجود دارد، اما مسلمانان از توجه به آن غافل بوده‌اند.

او راه‌حل را در آن می‌بیند که «علما متفق شده قوانین شریعت را معین فرموده بنویسند و همه را مُهر کنند و اولیای دولت و وکلای ملت نیز مُهر کرده، در نزد خزانه ضبط نموده و از روی آن نسخ متعدد طبع کرده و تمام حکام و حتی کدخدایان شهرها، بدانند که بنای عمل عامه مردم بر شریعت می‌باشد» (همان: ۹). از این رو خواستار تنبه مجدد در قوانین اسلام و خوانش جدید از آن متناسب با مقتضیات زمانه در جهت بهبود اوضاع جامعه است.

۴- تفکیک قوا

از جمله مؤلفه‌های حکومت‌مندی، جدایی قوا از یکدیگر است که از تحولات اجتماعی و سیاسی غرب نشئت گرفته است.

- **تفکیک امور عبادی از امور سیاسی:** مستشارالدوله در تفاوت‌های کود فرانسه با کتاب شریعت مسلمانان در فرق چهارم آن، پس از پیشنهاد تفکیک امور عبادی از امور سیاسی، با استناد به احادیث و روایات تنظیم امور دنیا را به مکلفان آن وا می‌گذارد. به باور او قانون فقط شامل مصالح دنیوی است. او سپس به اعتبار حدیث «انتم اعلم بامر دنیاکم» تنظیم امور دنیا را بر عهدهٔ مکلفان قرار می‌دهد (همان: ۱۰).

- **تفکیک قوه مقننه از مجریه:** مستشارالدوله که در فرانسه نتایج اصل تفکیک قوا را از نزدیک دیده بود، آن را برای پیشرفت ایران لازم می‌دانست. وی از هواداران جدی جدایی قوا و تقسیم آن به دو بخش قوه قانونگذاری و قوه اجرایی بود. او در زمینهٔ تفکیک قوا می‌نویسد: «وضع و تنظیم قوانین در اختیار مجلسی باشد و تنفیذ و اجرای آن در دست مجلس دیگر، چنانکه آن مجلس هیچ‌گونه بیم و امیدی از این مجلس نداشته باشد تا که هر یک از دو مجلس ودیعهٔ خود را با استقلال و آزادی تمام حفظ کنند» (همان: ۴۸). از این رو او قوهٔ مجریه (قدرت تنفیذ) و مقننه

قدرت تشریح) را مستقل از هم می‌داند. وی پیشرفت غرب را نتیجه تفکیک قوا و نظارت قوای دیگر می‌داند و درخصوص اهمیت آن بیان می‌کند: «الان هرگونه ترقی و قدرت و قوت و ثروت و معموریت و تجارت در دول فرنگستان دیده می‌شود از نتایج جدایی دو اختیار است و هر قسم بی‌نظمی و بی‌پولی و عدم قدرت در صنایع و تجارت و زراعت در مشرق زمین مشاهده می‌شود از اختلال و امتزاج دو اختیار است» (همان: ۴۸). او لازمه تحول در ایران را اجرای اصل تفکیک قوا می‌داند.

او برای تفکیک قوا نیز ریشه اسلامی می‌یابد و این اصل را از اصول قدیمی در اسلام برمی‌شمارد: «چنان‌که در ایام پیشین مجتهد و مفتی در وظیفه خود و والیان و محتسبان در وظیفه اجرا و تنفیذ مستقل بودند. اگرچه تنظیم قانون و تنفیذش به مرجع واحد، یعنی به وحدت امامت مربوط است، ولی در ترتیب تفریق واجب است» (همان: ۴۹). این امر نشان‌دهنده تلاش او برای تطبیق گزاره‌های حکومت‌مندی مدرن با شرع است.

او با اعتقاد به تقسیم و تفکیک قوا به دو بخش مقننه و مجریه معتقد بود که این قوا باید از یکدیگر بیم داشته باشند تا راه را برای آزادی و استقلال، آسان و هموار سازند (آجدانی، ۱۳۸۷: ۴۸). وی همچنین اصل وجود مجلس را می‌پذیرد و آن را عامل وضع قانون در جامعه می‌داند. وی مذاکره و کیلان ملت را، که همان نمایندگان مجلس‌اند، در مورد کارهایی مانند خراج یا مالیات اصلی تلقی می‌کند و ریشه آن را در احکام اسلامی می‌یابد. مستشارالدوله مجلس را محل گفتگوی صاحبان خرد و اندیشه درباره کارهای جاری کشور می‌داند و اصل حکومت و حاکمیت دولت را ناشی از اراده ملت می‌پندارد (مستشارالدوله، ۱۳۸۷: ۳۹-۳۸).

او از سویی با تشریح علت پیدایش، حقوق و وظایف مجلس و از سویی دیگر، از طریق پیوند دادن آن با احکام اسلامی تلاش می‌کند به این نهاد نوین سیاسی، هویت دینی ببخشد. مجلس در اندیشه او نقش اصلی و محوری در نظام سیاسی دارد. وی در راستای تفکیک قوا به تنظیم مجالس سنا و وکلای ملت می‌پردازد. از این‌رو به نظام پارلمانی دولت‌های اروپایی توجه می‌کند و آثار وجودی آنان را بیان می‌کند. او به دائمی‌بودن عضویت اعضای مجلس سنا معتقد بود (همان: ۵۰) و باور داشت که این امر باعث جلوگیری از استبداد و خودکامگی سلاطین و تنظیم امور به دست خود مردم خواهد شد. در این چارچوب مردم به واسطه آزادی سیاسی، نمایندگان خود را بر مبنای قوانین انتخاب می‌کنند و آنها نیز به نمایندگی از ملت در مجلس قانونگذاری به

تدوین قانون می‌پردازند (شاه‌محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲۰-۱۱۹). وی بحث از هیئت ژوری را نیز مطرح می‌کند و این هیئت را متشکل از ۱۲ نفر با ویژگی‌های درستکاری و امین بودن می‌داند و وظیفه آنها را این می‌داند که: «هنگام تحقیق جنایات و جرایم کبیره در محکمه‌های عدالت حضور به هم می‌رسانند و چون قاضی احتجاج و گفتگوی مدعی و مدعی‌علیه را استماع نماید... ژوری‌ها را دارای حق حکم و/یا تعیین مقدار عقوبت نمی‌داند، بلکه فقط نظر ایشان به بیان رأی و اشارت مقصور است» (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۵۱). او در ادامه درصدد است تا برای این امر نیز حکم شرعی بیابد. از این رو است که می‌گوید: «فلهذا این قاعده نیز در شریعت اسلام به باب مشورت راجع است. بنابراین آنها را مشاور نامیدن سزاوار است و شیخ طوسی در کتاب قضای خود به آن اشاره کرده است» (همان: ۵۲). لذا او وجود هیئت ژوری را برای اصلاح نظام قضایی امری ضروری برمی‌شمرد.

در اندیشه مستشارالدوله شاهد تحول نظریه تفکیک قوا هستیم. وی تلاش می‌کند تا با درک ماهیت و شاخصه‌های نظریه تفکیک قوا در غرب از یک‌سو و از سوی دیگر، انطباق آن با آموزه‌های دینی، آن را امری منطبق با شریعت نشان دهد. تلاش او برای انطباق کدهای قانون فرانسه و محتوای مجالس غرب با آیات قرآن، راهکار او جهت دینی‌سازی سازه‌های حکومت‌مندی مدرن است.

۵- نهادهای علمی

مستشارالدوله از جمله روشنفکرانی بود که جهت بهبود نظام آموزشی به فعالیت‌های فکری و عملی دست زد. همچنین وی بر وجود مدارس و برنامه‌های آموزشی به سبک جدید تأکید و ترقیات دیگر کشورها را به زمامداران جامعه گوشزد نمود (طاهری مقدم و بوچانی، ۱۳۹۴: ۷۴). وی در این زمینه می‌نویسد: «از فقرات نوزده‌گانه حقوق عامه بنای مکتب‌خانه‌ها و معلم‌خانه‌ها برای تربیت اطفال و فقراست. چون تعلیم علوم و معارف در فرنگستان، مطلقاً از الزم امور و اقدام وظایف است، لهذا تعلیم اطفال فقرا و مساکین حتی نابینایان را حقوق عامه شمرده‌اند» (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۵۸). او برای ضرورت گسترش علم در کشور و اهتمام دولت به آن در تلاش است تا مرجعی شرعی نیز بیابد: در این زمینه نیز بر سوره زمر «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» و تأکید آن به تقدیم عالمان و تأخیر جاهلان اشاره می‌کند. همچنین تصریح

می‌کند: «در سوره بقره آیه ۲۷۲، طه آیه ۱۱۳، علق آیه ۳ و ۴، عنکبوت آیه ۴۲، نحل آیه ۴۵ و بنی اسرائیل آیه ۱۳ در شرف و فضیلت علم تأکیدات بلیغه فرموده است» (همان: ۵۹). در واقع او تلاش می‌کند تا ضرورت ترویج دانش جدید را برای عموم مردم از طریق گزاره‌های دینی توجیه نماید. او همچنین به نقد نام آموزش سنتی (مکتب‌خانه‌ای) ایران می‌پردازد. «اگرچه در ایران مدارس بسیار است و تحصیل علوم می‌کنند، اما از برای معاد، نه از برای معاش با اینکه پیغمبر فرموده: «من لا معاشَ له، لا معاد له» (همان: ۶۲). او نص قرآن را حاوی آموزه‌هایی هم برای زندگی دنیوی و هم اخروی می‌داند. از این رو معتقد است که علم و آموزش آن باید مبتنی بر ارائه راه‌هایی برای سعادت دنیوی و اخروی انسان باشد.

از سویی دیگر، وی از علل گسترش و پیشرفت مدنیت در کشورهای بیگانه را توجه به یادگیری چندین زبان متفاوت می‌داند و بیان می‌کند: «فرنگی‌ها قدر نعمات و آیات خداوند را زیادتر از اهل مشرق زمین می‌دانند و اعتنای تمام به مفاد کلام حقیقت فرجام دارند و من آیات اختلافِ السننکم و الوانکم به جهت قدرشناسی نعمات خداوندیست که در فرنگستان اکثر اهالی مذکور و اثاث اقله سه چهار زبان مختلف یاد می‌گیرند» (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۷۶). او در رساله خود، اقدامات دیگری برای آبادی کشور مطرح می‌کند. در ارتباط با آبادی و ثروت و استفاده از نعمات الهی، رونق تجارت، قدرت دولت، تربیت ملت، ترقی هر قسم صنایع، تنظیم راه‌ها و توسعه و تطهیر کوچ‌ها و لزوم تعمیرات عمومی به احادیثی از قرآن استناد می‌کند و او تلاش می‌کند تا میان دین و توسعه نسبتی برقرار کند (همان: ۷۴-۷۳). در واقع او در تلاش است تا فرایند مدرنیزاسیون غربی را با محتوای دینی مطابقت دهد و الگویی در راستای مدرنیته بومی و دینی ارائه دهد.

۶- دموکراسی

مستشارالدوله خواستار ایفای نقش مردم در اداره امور کشور بود و حکومت را حق تمام مردم می‌دانست (همان: ۱۲). او درباره آزادی اتباع یک کشور برای شرکت در انتخابات و دادن رأی نیز سخن می‌گوید که این حق اتباع است که نمایندگان خود را انتخاب کنند، این حق به مردم فرصت می‌دهد که درباره اعمال حکومت بحث و دخالت کنند. این نمایندگان طبق قانون در یک مجلس قانون‌گذار گرد هم می‌آیند، اراده مردم و موافقت آنها پایه هر سیاست و حکومتی است (حائری،

۱۳۶۴: ۳۵). به این ترتیب، وی برای نخستین‌بار از حکومت ملی سخن می‌گوید و منشأ قدرت سیاسی را ارادهٔ جمهور ملت می‌داند: «اختیار و قبول ملت اساس همهٔ تدابیر حکومت است و این کلمه از جوامع‌الکلم است و در نزد صاحبان عقول، مرتبهٔ صحتش را حاجت تعریف نیست» (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۳۹-۳۸).

او در قسمتی از رساله‌اش که از تفاوت‌های اساسی میان کتاب قانون و کتاب شریعت بحث می‌کند اشاره به واژه ملت دارد (همان: ۱۰). برخلاف ایران که معمولاً بین دولت و ملت تضاد و شکاف حاکم است، مستشارالدوله معتقد است که در اروپا بین دولت و ملت اختلافی دیده نمی‌شود. مردم از طریق نمایندگان خود از حق و ناحق گفتگو می‌کنند و چون حکومت در دستشان است اختلافی پیش نمی‌آید، زیرا همه‌چیز در اختیار قانون است (همان: ۱۳-۱۲). می‌توان دریافت که در تفکر وی اختیار قبول عامه اساس تدبیر حکومت است. مستشارالدوله اراده مردم و موافقت آنها را پایهٔ هر سیاست و حکومتی می‌داند. به نظر او، اصل در تدوین کتاب قانون، رضایت ملت است (همان: ۳۹-۳۸). او در این راستا دربارهٔ مسئول بودن همه در برابر قانون سخن می‌گوید. به باور او حدیث «کلکم راعٍ و کلکم مسئولٌ عن رعیتة» مؤید این قول است. چراکه وی حاکمیت را از آن ملت می‌دانست نه شخص حاکم و از این‌رو وزیر، امیر و حاکم را در قبال ملت و در قبال مأموریت خود مسئول می‌داند (شاه‌محمدی، ۱۳۹۴: ۱۱۹). او در رساله‌اش، حق مشارکت ملت در قانونگذاری به وسیله وکلای خود را مطرح نموده و آن را با آیین مشورت در اسلام مطابقت می‌دهد. وی در این زمینه به آیه «و شاورهم فی الامر» سوره آل‌عمران استناد می‌کند (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۴۰-۳۹). همچنین امضای وکلای ملت را برای قوانین شرعی تدوین‌شده به‌وسیلهٔ علما لازم می‌داند (همان: ۹). ولی بر مقبول ملت بودن قوانین مجلس قانون‌گذاری، تأکید می‌کند (همان: ۱۴). بدین ترتیب که مستشارالدوله حاکمیت و آزادی در انتخابات عمومی را حق ملت دانسته و پارلمانی پیشنهاد می‌کند که با انتخاب مردم پدید آید و در آن قانون ساخته شود و دولت و امور کشور زیر نظارت قرار گیرد (حائری، ۱۳۶۴: ۳۶). هرچند او این فرایند را مطابق با شریعت اثبات می‌کند.

۷- جامعه مدنی

مستشارالدوله از آزادی بسیار ستایش می‌کند. او برای اینکه ملت بتوانند ارادهٔ خویش را متجلی سازند و در امور سیاسی و اجتماعی نقش داشته باشند، خواستار استقرار و گسترش آزادی بود

(شاه‌محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). وی به انواع آزادی اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: حریت شخصیه، آزادی مطبوعه، آزادی مجامع، حریت سیاسه و حریت صنایع و کسب. در رسالهٔ یک‌کلمه، آزادی و شرح و تفسیر دربارهٔ آن از قبیل آزادی مطبوعات، آزادی بیان، آزادی تشکیل اجتماعات را می‌ستاید، همان آزادی که با توضیحات فیلسوفان مغرب زمین در سدهٔ نوزدهم مطابقت دارد تا با دستور اسلام یعنی امر به معروف و نهی از منکر. چراکه امر به معروف و نهی از منکر بیشتر در حوزهٔ درون دینی و نیز در چارچوب مقررات دینی منظم شده (دیلمی‌معزی، ۱۳۹۱: ۲۳۶-۲۳۵) و نمی‌تواند به نفی و انتقاد از قوانین مسلم دینی بینجامد. در ادامه انواع آزادی و نحوهٔ انطباق با نص قرآن در اندیشهٔ مستشارالدوله تشریح می‌شود.

- **حریت شخصیه:** مستشارالدوله در مورد آزادی فردی اینگونه بیان می‌کند: «یعنی بدن هرکس آزاد است و احدی را قدرت نیست سیلی و مشتت به کسی بزند، یا دشنام و فحش بدهد... هیچ‌کس را به گناه دیگری عقوبت نمی‌توان گرفت و حبس نمود و احدی را بدون حکم قانون جریمه و تنبیه سیاست نمی‌توان کرد» (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۲۸-۲۷). برای اثبات این نکته به آیات سورهٔ حجرات، مائور، نور و بقره استناد می‌کند. وی مصداق این نوع آزادی را در عدم تجاوز دیگران به حقوق شخصی افراد، چه به صورت ضرب و شتم بدنی، واردشدن به منازل افراد، تنبیه و مجازات انسان‌ها بدون حکم قانونی یا تجسس در امور دیگران می‌داند (سلیمانی‌دهکردی و رفعتی‌پناه مهرآبادی، ۱۳۹۳: ۶۲) و رعایت آن را واجب و منطبق با دین می‌داند.

- **حریت مطابع:** وی به آزادی مطبوعه پرداخته و بخشی از احکام آزادی مطبوعه را در امر به معروف و نهی از منکر وارد دانسته است. وی معتقد است «مطبوعات از قبیل کتب و رساله و روزنامه، هرچه باشد... اگر مطلب چاپ شده ضرری به دین یا به اخلاق عامه و/یا مخالف به احکام دارد، ازاله آن ضرر واجب است» و در این راستا به حدیث شریف «الضرر یُزال» استناد می‌کند (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۳۶-۳۵). او این فقره آزادی در غرب را در نهایت کمال می‌داند. به گونه‌ای که می‌گوید در پاریس، صد چاپخانه و ششصد کتابفروشی است (همان: ۳۶-۳۷). او گسترش صنعت چاپ را راهی برای تحول جامعه می‌داند.

- **آزادی مجامع:** مستشارالدوله دربارهٔ تجمعات آزاد گروه‌ها و صاحبان حرف نیز ابراز نظر می‌کند. به نظر او آزادی مجامع در این است که هر گروه، فرقه یا جماعت هر زمان که اراده کنند قادر به برپایی مجمعی برای بحث دربارهٔ مسائل سیاسی، اعمال حکومت و امور مربوط به معاش

باشد. وی در مورد آزادی مجامع در اسلام اینگونه می‌نویسد: «عقد جماعات در زمان پیغمبر(ص) مختار و آزاد بود؛ چنان‌که اصحاب کرام هر روز در مسجد نبوی، فرقه فرقه اجتماع کردند» (همان: ۳۷). از این رو او آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی را از لوازم حکومت‌مندی در یک جامعه و از تأکيدات اسلام می‌داند.

- **حریت سیاسی:** آزادی شهروندان یک کشور در رأی‌دادن از مواردی است که مورد توجه مستشارالدوله است. اینکه مردم نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند سبب شده که مردم درباره اعمال حکومت بحث و دخالت نموده و مواظب عملکرد هیئت حاکمه باشند: «حق انتخاب و کلاست مر اهالی را در مقابل دیوان دولت... که به اصطلاح فرانسه دپُت می‌گویند، با شروط معلومه و معینه در کتاب قانون از جانب اهالی منتخب و در مجلس کور لژیسلاسیون، یعنی مجلس قانونگذار، مجتمع می‌شوند» (همان: ۳۹). او در ادامه معتقد است که این امر مطابق دین اسلام است. همچنین به اعتقاد او مشورت در سیره پیامبر، مانند جنگ احد مشهور است.

- **حریت صنایع و کسب:** به عقیده مستشارالدوله آزادی صنایع و کسب یعنی هرکسی در ترقی صنایع و کسب آزاد است. به باور او آنچه باعث پیشرفت صنعت در مغرب زمین شده، آزادی در انتخاب کسب است. از سوی دیگر، حق انحصار اختراع سبب آزادی فرد و علاقه بیشتر در میان مردم برای پژوهش می‌شود (همان: ۵۸-۵۷). وی این موضوع را نیز بر طبق قانون اسلام می‌داند.

۸- حقوق بشر

مستشارالدوله در مقدمه یک کلمه در راستای تطبیق اسلام و حقوق بشر اینگونه نوشته است: «اعلامیه حقوق بشر را ترجمه و به آیات و احادیث مستند نمودم. بعد از تدقیق و تعمیق، همه آنها را به مصداق لارطب و لایابس الا فی کتاب مبین» با قرآن مجید تطابق یافتم (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۱۶-۱۵). او در این اثر از سی ماده از اعلامیه حقوق بشر، نوزده مورد از آن را ذکر و به‌طور مفصل آنها را توضیح و به تطبیق آنها با اعلامیه حقوق بشر پرداخته است. او قانون را مربوط به مصالح دنیا و مطابق با همه ادیان می‌داند (همان: ۱۰). از سویی دیگر، به مساوات در بین همه انسان‌ها تأکید می‌کند و حتی همه مسلمانان و کافران، زنان و مردان را از نظر حقوق مدنی و اجتماعی برابر می‌داند (همان: ۲۰-۱۹). در جایی دیگر از رساله خود در مورد معاشرت مسلمانان با غیرمسلمانان، توصیه به عدالت با آنها کرده است (همان: ۷۱-۷۰). او به احترام به آیین و عدم

توهین به دین دیگران در کشورهای دیگر توجه دارد و حتی به تطبیق این مسئله با اسلام می‌پردازد (همان: ۷۵). به عبارت دیگر، او درک وسیعی از مسئله حقوق بشر به عنوان یکی از شاخصه‌های حکومت‌مندی مدرن دارد.

موضوعات محوری رویکرد حکومت‌مندی اسلامی مدرن

چنانچه پیشتر گفته شد، حکومت‌مندی مدرن در اندیشه فوکو دارای موضوعاتی نیز است که در سه محور عقلانیت‌ها، تکنولوژی‌ها و سوژه‌های حکومت دسته‌بندی شده است. در ادامه این موضوعات در متن رساله یک کلمه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- عقلانیت‌ها/خرده‌های حکومت

مقصود مستشارالدوله از بیان مطالب بالا، نشان‌دهنده این نکته است که وی یگانه راه ایجاد دگرگونی در جامعه ایران را انطباق اسلام و مدرنیته می‌داند. به همین دلیل است که او حاکم نهایی را خداوند و سرچشمه هر حکمی را دین اسلام می‌داند (همان: ۶۵). مستشارالدوله میان اعتقادات مردم و اصل دین اسلام، تفاوت قائل می‌شود و ضمن انتقاد از هزینه‌های اموات برای مکان‌های مقدس به جای تأمین امنیت عمومی و بهداشت جامعه، معترض شأن خداوند متعال و ائمه معصوم(ع) نمی‌شود و حتی اقدام به این کارها را با وجود ضرورت‌های اجتماعی مانند تأمین امنیت و بهداشت جامعه مخالف رضای خداوند و ائمه(ع) معرفی می‌کند (پاشازاده، ۱۳۹۱: ۶۰). به این ترتیب، مستشارالدوله یکی از دلایل انحطاط ایرانیان و مسلمانان را در آخرت‌گرایی صرف و عدم توجه به دنیا دانسته است.

۲- تکنیک‌ها/تکنولوژی‌های حکومت

مستشارالدوله تکنولوژی‌هایی برای نظام سیاسی برمی‌شمارد که از طریق آنها حکومت می‌تواند به محدودکردن قدرت در جامعه بپردازد. از جمله تکنولوژی‌های مورد نظر وی تفکیک قوا، ایجاد مجلس و هیئت ژوری است. وی به تفکیک قوه مقننه از مجریه به عنوان یکی از تکنولوژی‌های حکومت توجه دارد که از این طریق حکومت به محدود کردن قدرت در بین نهادها می‌پردازد (مستشارالدوله، ۱۳۸۷: ۴۸). از دیگر تکنیک‌های حکومت در اندیشه مستشارالدوله اصل وجود مجلس به عنوان نهاد قانون‌گذاری است که وی آن را به صراحت عامل وضع قانون در جامعه ذکر

می‌کند. وی در این راستا به تنظیم مجالس سنا و وکلای ملت می‌پردازد. از این رو به نظام پارلمانی دولت‌های اروپایی توجه می‌کند و آثار وجودی آنان را بیان می‌کند. او برای محدود کردن قدرت اجرایی شاه نیز مواردی را برمی‌شمارد که می‌توان از آن به عنوان سازوکارهای قوه مجریه نام برد. از جمله این موارد تحریر اصول دخل و خرج دولت و نحوه اداره مالیات‌هاست (همان: ۴۴-۴۱). او در دستگاه قضایی نیز به هیئت ژوری نظر دارد و وجود این هیئت را برای حل جنایات و کمک به قاضی در قضاوت صحیح لازم می‌داند (همان: ۵۱). او این امر را نیز مبتنی بر آموزه‌های قرآن می‌داند.

۳- سوژه‌های حکومت

مستشارالدوله در اندیشه خود به علما به عنوان سوژه حکومت تأکید خاصی دارد. وی نفوذ علما را برای به جنبش درآوردن ملت لازم و ضروری می‌دانست. او برای اقتباس مبادی و مفاهیم تمدن غربی از جمله ایجاد راه و راه‌آهن از علمای زمان خود فتوا گرفت (پاشازاده، ۱۳۹۱: ۶۱). او خواستار مشارکت علما در عرصه سیاسی و ارائه قرائت‌های نوین از دین مبتنی بر تحولات عصر بود.

در رساله یک کلمه مستشارالدوله سعی می‌کند که بین دین و عقل انسانی آشتی برقرار کند. وی با انگیزه مطابقت دین با خرد و دانش، نظام پارلمانی را با شورا، برابری به عنوان مفهومی جدید را با مساوات اسلامی، آزادی بیان را با امر به معروف و نهی از منکر و حقوق غربی را با فقه اسلامی تطبیق می‌کند (فراستخواه، ۱۳۷۴: ۱۱۶). در واقع او تلاش می‌کند تا طرحی از سازگاری مدرنیته و دین دست یابد. او اصلی‌ترین علت انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان را عدول از حقیقت اسلام دانسته است. لازم به ذکر است که این رساله حدود سی‌وهفت سال پیش از مشروطیت، نوشته شده و ظاهراً مستشارالدوله تا چند ماه پیش از اتمام آن قصد داشت که آن را با نام روح‌الاسلام منتشر کند (قره‌داغی، ۱۳۸۳: ۲۸۲). او در این اثر اصول نوزده‌گانه مربوط به قانون اساسی فرانسه را با آموزه‌های قرآن؛ سیره و سنت پیامبر (ص) تطبیق داده است (حائری، ۱۳۶۴: ۳۹). از نگاه او غفلت از آموزه‌های دینی منشأ عقب‌ماندگی و انحطاط مسلمانان بوده است. در ادامه به نحوه ادراک مستشارالدوله از مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن در غرب و نحوه انطباق آن با گزاره‌های دینی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چنانچه پیش‌تر گفته شد بیشتر تلاش مستشارالدوله انطباق گزاره‌های حکومت‌مندی مدرن با نص قرآن بود. لذا تلاش می‌کند تا آموزه‌های مدرن را با متن قرآن بسنجد. در ادامه نحوه انطباق میان مفاهیم جدید را با متن آیات و روایات نشان می‌دهیم. این اقدام مستشارالدوله نخستین کوشش برای انطباق میان مفاهیم مدرنیته و شاخصه‌های حکومت مدرن با نص قرآن و روایات در دوره مشروطه بوده است.

جدول شماره ۲. انطباق مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن با اسلام از نظر مستشارالدوله

مؤلفه‌های حکومت‌مندی	تطبیق اصول با آیات قرآن
مساوات	۱- روایت اجرای مساوات در بین یک یهودی و حضرت علی(ع)، «و إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»، ۳- در سوره نحل، در سوره مائده و سوره انعام و سوره ص: یا داود إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ و لا تتبع الهوى (مستشارالدوله، ۱۲۸۷: ۲۰-۲۱)
تخصص‌گرایی (امتیاز فضلی)	۱- سوره حجرات: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَىٰ»، ۲- سوره هود: «لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ»، ۳- «وَلَا تَسْوَأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ»، ۴- در سوره نجم، سوره نور و سوره یونس، ۵- سخن نظام حضرت علی(ع): الشرف بالفضل لا بالأصل و النسب (همان: ۲۵-۲۶)
مدافعه ظلم	۱- سوره آل عمران: «وَلِيَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، ۲- سوره هود: «و لا تركنوا الى الذين ظلموا» (همان: ۳۳-۳۴)
حریت شخصیه	۱- سوره حجرات و سوره مائده: «يا ايها الذين امنوا اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا»، ۲- سوره نور: «يا ايها الذين امنوا لا تدخلوا بيوتا غير بيوتكم حتى تستأنسوا»، ۳- در سوره بقره: «وليس البر بان تاتوا البيوت من ظهورها» (همان: ۲۸-۲۹)
امنیت جان	۱- «من قتل نفسا بغير نفس أو فساد في الارض فكأنما قتل الناس جميعاً»، ۲- در سوره تین، انعام، بقره و بنی اسرائیل «و لا تقتلو النفس التي حرم الله ألا بالحق» (همان: ۳۰-۳۱)
امنیت عرض و ناموس	۱- «الزانية و الزانی فأجدوا كل واحد منهما مائة جلد»، ۲- آیه ۴ و ۶ در سوره فرقان (همان: ۳۲)
امنیت مال	۱- «والسارق و السارقه فاقطعوا ايديهما» (همان: ۳۲)
حریت مطایع	۱- حدیث شریف «الضرر یزال» (همان: ۳۶)
حریت سیاسیه	۱- سوره آل عمران: «و شاورهم فی الامر»، ۲- سخن حضرت علی: «لا صواب مع ترک المشوره» (همان: ۴۰-۴۱)
حریت مجامع	۱- اجتماع صحابه در مسجد نبوی، ۲- سوره آل عمران: «و لو كنت فظاً غلیظ القلب لا أنفضوا من حولک» ۳- آیه شریفه «و أمرهم شوری بینهم» (همان: ۳۸-۳۹)

ادامه جدول شماره ۲. انطباق مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن با اسلام از نظر مستشارالدوله

مؤلفه‌های حکومت‌مندی	تطبیق اصول با آیات قرآن
بنای مکتب‌خانه‌ها برای اطفال	۱- «اطلبوا العلم من المهد الى اللحد»، ۲- در سوره زمر، سوره بقره آیه ۲۷۲ و سوره طه آیه ۱۱۳ و در سوره علق آیه ۳ و ۴ و در سوره عنکبوت آیه ۴۲ و در سوره نحل آیه ۴۵ و بنی اسرائیل آیه ۱۳ در شرف و فضیلت علم تأکیدات بلیغه فرموده است، ۳- سخن حضرت علی (ع) «العلمُ علمان: علم الأبدان و علم الآدیان. والعقلُ عقلان: عقل المعاش و عقل المعاد ۴- سخن پیغمبر: «من لا معاشَ له، لا معاد له» (همان: ۶۱-۶۲)
تعیین مالیات	۱- قاعده بعینها مطابق با شرع اسلام (همان: ۴۲)
تحریر دخل و خرج دولت	۱- حدیث «فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ» (همان: ۴۴)
مسئولیت‌پذیری در مناصب	۱- حدیث: «كَلِّمُوا رَجُلًا وَ كَلِّمُوا مَسْئُولًا عَنْ رَعِيَّتِهِ» (همان: ۴۷)
حضور ژوری در جنايات	۱- تطبیق با قاعده مشورت در اسلام، ۲- اشاره شیخ طوسی از این مسئله در کتاب قضا (همان: ۵۲-۵۳)
عدم شکنجه و تعذیب	۱- «و من جاء بالسیئه فلا یجزی الا مثلها»، ۲- سوره نحل «و إن عاقبتهم فاعقبوا بمثل ما عوقبتهم»، ۳- سوره آل عمران آیه ۲۴ و سوره زمر آیه ۷۰ (همان: ۵۵)
جامعیت قانون (عادی و عرفی)	۱- «و أمرهم شوری بینهم»، ۲- «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْاَبْصَارِ» (همان: ۱۱-۱۲)
اعتقاد به حاکمیت الهی	۱- «الیس الله بأحکم الحاکمین»، ۲- «السنه الخلق أقلام الحق و كلما حکم بالعقل حکم به الشرع و بالعکس» (همان: ۶۳)
پذیرش امور دیوانی توسط دولت	۱- «أیحسب الانسان ان یتترک سُدی»
تطبیق احکام با احکام الهی	۱- «و هذا کتابُ أنزلناه مبارکٌ فاتَّبِعوه و اتَّقوا لعلکم تُرحمون» (همان: ۶۴)
بنای مریض‌خانه‌ها	۱- «و من أحيها فکأنتمما أحيالناس جميعاً» (همان: ۶۵)
تنظیم راه‌ها و شهرها و روستاها	۱- «أنا جعلنا ما علی الأرض زینته لئلا یبغضوا لعلهم یحسبوا أحسن عملاً» (همان: ۶۵)
ایجاد معادن	۱- «و أنزلنا الحدیده فیہ باسٌ شدیدٌ و منافعٌ للناس» (همان: ۶۶)
ثبت اسناد در دیوان	۱- آیه ۲۸۲ در سوره بقره «یا ایها الذین آمنوا إذا آتایتکم الخ» (همان: ۶۷)
تهیه و ترتیب امور عسکر	۱- در سوره ۴۷ آیه ۵ در سوره ۶۱ آیه ۴ و در سوره ۳ آیه ۲۰۰ و در سوره ۴۷ آیه ۸ (همان: ۶۷)
صحت و درستی اوزان	۱- در سوره انعام آیه ۱۵۳ و اعراف ۸۳ و بنی اسرائیل ۷۳ (همان: ۶۶)

نتیجه‌گیری

مبنای حکومت در ایران طی سالیان طولانی به شیوهٔ هرمی از بالا به پایین و بر اساس پذیرش حاکمان فاسد، جابر و غاصب به جهت ایجاد امنیت و قضا و قدر بود. در همین زمینه متفکران سیاسی به اندرز پادشاه برای ساماندهی بهتر حکومت می‌پرداختند. این امر سبب شد تا در حکومت‌مندی سنتی به شیوهٔ یک‌سو و با هدف اندرز دادن به حکمران و بدون مشارکت به نقش مردم در امور سیاسی اندرزنامه‌نویسی به جهت راهی برای اطلاع سلطان از الگوی آرمانی حکومت رواج یابد.

مشروطه دورهٔ گذار از حکومت‌مندی ارگانیکی (سنتی) به حکومت‌مندی مکانیکی (مدرن) است. در این دوره، مبنای نگاه به اندیشهٔ سیاسی از صرف توجه به صفات و خصوصیات حکمران متوجه چگونگی حکومت کردن و ایجاد ساختار و سیستم نظام سیاسی در جامعه شد. اما نحوهٔ مواجهه نخبگان و روشنفکران با الگوی حکومت مدرن در غرب و آموزه‌های اجتماعی-سیاسی اسلام متفاوت بود. قالب آنها دین را ناسازگار با تحولات مدرن و ناتوان برای ارائه الگویی برای مدیریت نظم سیاسی می‌دانستند. از این رو نگرش آنان به جایگاه دین در نظم سیاسی در دو قالب طرد و حذف دین از عرصهٔ سیاست و یا استفاده ابزاری از آن بود.

مستشارالدوله را می‌توان نخستین روشنفکر اصلاح‌طلبی دانست که در عصر قاجار و پیش از شکل‌گیری انقلاب مشروطه در تلاش بود تا قرائتی از همسازی اسلام و مدرنیته ارائه دهد. وی در اروپا با مفاهیم حکومت‌مندی مدرن مانند دموکراسی، قانون، آزادی، برابری، ایجاد مجلس، تفکیک قوا، دولت ملی، ملت، حقوق بشر و... آشنا شد. از این رو سعی کرد با نوشتن رساله یک کلمه، تفسیری دینی از مفاهیم و نهادهای حکومت‌مندی مدرن در راستای تطبیق گزاره‌های آن با نص قرآن و احادیث ارائه دهد.

مستشارالدوله آرزوی نظم و اقتدار کشور را داشت. در این راستا رساله یک کلمه که حاوی اصول افکار سیاسی وی است، در تحریک احساسات و بیدار کردن مردم آن زمان نقش مهمی ایفا کرد. او سعی در واکاوی علل عقب‌ماندگی جامعه ایران داشته و به دنبال یافتن راه‌حلی برای خروج از عقب‌ماندگی ایران می‌گردد. وی در این رساله پیشرفت کشور را در یک کلمه و آن هم قانون می‌داند و در این راستا پیشنهاد تدوین قانون اساسی و تشکیل شورا را ارائه می‌دهد. وی در رسالهٔ خود راجع به قانون اساسی و اصلاح خط که از مؤلفه‌های حکومت مدرن است، توضیحاتی ارائه می‌دهد.

و سعی می‌کند تا به تطبیق آنها با اصول شرع اسلام و خصوصیات جامعه ایرانی بپردازد. او در تلاش است تا قرائتی همساز از اسلام و مدرنیته ارائه دهد. این کار در راستای طرح خوانشی بومی و دینی از حکومت مدرن است. به باور او اسلام دربردارنده اندیشه‌های مترقی و مدرن در جهت سامان زندگی در زمانه جدید است. او حاکمیت حقیقی را از آن خدا می‌دانست و اراده ملت را در طول اراده الهی قرار می‌داد. هرچند مبنای اقتدار سیاسی را ناشی از رضایت اجتماع سیاسی می‌دانست. او تلاش می‌کرد با استناد به آیات و روایات میان مدرنیته و اسلام انطباق ایجاد کند و میان دین و عقل مدرن آشتی برقرار کند. او حکومت را حق مردم می‌دانست و تنها راه ایجاد تغییر در جامعه سنتی ایران را انطباق مدرنیته با دین می‌دانست. او قائل به اندیشه تفکیک قوا بود و تفکیک قوه مقننه از مجریه را به عنوان راهی برای سامان امور اداری کشور مطرح کرد. از این رو به پارلمان توجه ویژه‌ای داشت. تکنولوژی‌هایی همچون تفکیک قوا، ایجاد مجلس و هیئت ژوری را برای اداره کشور پیشنهاد می‌داد.

این رساله تأثیر درخشانی در تحولات فکری جامعه ایران دوره قاجار داشته است. وی در ۳۶ سال قبل از انقلاب مشروطه در رساله خود، اندیشه حکومت ملی را مطرح می‌کند و معتقد است که همه تدابیر حکومت باید مورد قبول ملت باشد. وی با طرح این اندیشه در واقع ملت را واضع قانون معرفی می‌کند. او با تأکید بر حکومت مشروط و مبتنی بر قانون، برای زمان خود حکومت سلطنتی مقننه را پیشنهاد می‌دهد. به همین دلیل قانون را برای پیشرفت جامعه قبول داشت و به آن اهمیت زیادی می‌داد. وی برای قانونمند شدن ایران لازم می‌دید قوانینی به شکل قوانین غربی در شکل قانون اساسی تنظیم شود. از این رو بر قانون اساسی مبتنی بر شرع تأکید می‌کرد. در این راستا طرح تفکیک قوه مجریه از مقننه را مطرح می‌کند. او برای اولین بار مسئله حقوق انسانی را ارائه می‌کند. اهمیت رساله یک کلمه به حدی است که وی در آن از حقوق انسانی، حقوق مردم، آزادی شخصی، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماع و امثال این موضوعات سخن به میان می‌آورد. از این رو این اثر را تنها یک کار سیاسی نمی‌توان برشمرد بلکه می‌توان آن را یک اثر سیاسی فرهنگی معرفی کرد که در آن دوران حساس توسط مستشارالدوله به نگارش درآمده است و در انتشار مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن نقش تأثیرگذاری داشته است.

یادداشت

میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله پسر حاجی کاظم از بازرگانان آذربایجان در شهر تبریز در سال ۱۲۳۹ ه.ق به دنیا آمد. فارسی، عربی و قدری امور شرعیه را آموخت (طالبیان، ۱۳۷۸: ۱۵۵). در ابتدا منشی قونسول‌خانه انگلیس در تبریز بود (ممتحن‌الدوله، ۱۳۶۵: ۹۵). بعد از چندی، از خدمت انگلیسی‌ها استعفا داد و به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. در سال ۱۲۷۰ ه.ق به دستور ناصرالدین‌شاه به کارپردازی حاجی‌ترخان منصوب شد و هشت سال در آنجا بود. در سال ۱۲۷۹ ه.ق کاردار ایران در پترزبورگ و در سال ۱۲۸۰ ه.ق ژنرال کنسول تغلیس شد و چهارسال در آنجا ماند (طالبیان، ۱۳۷۸: ۱۵۵). بعد به ایران بازگشت و در سال ۱۲۸۳ ه.ق با عنوان شارژ دافری (کارپرداز) عازم پاریس شد و سه سال در آنجا ماند. در خلال این دوره، چهاربار به لندن رفت و ضمن هم‌نشینی با میرزا ملکم‌خان متوجه پیشرفت و ترقی فرانسه و انگلیس شد. او پس از بررسی، علت تمامی پیشرفت‌های مغرب زمین را تنها در یک کلمه دانست و آن یک کلمه قانون بود (شاه‌محمدی، ۱۳۹۴: ۱۱۸-۱۱۷). او با روی کارآمدن سپهسالار سمت مستشاری وزارت عدلیه را برعهده گرفت و ملقب به مستشارالدوله شد (طالبیان، ۱۳۷۸: ۱۵۵). مشیرالدوله از وی خواست تا اجرای احکام عدلیه را بر پایه قرآن قرار دهد. او مقالاتی درباره عدلیه ایران نوشت، به همین دلیل دستگیر و مجازات شد. مغرضین بعدها به توطئه پرداختند و کتاب یک‌کلمه او را به شاه نشان دادند و دوباره به زندان افتاد. در سال ۱۳۰۹ ه.ق آزاد شد، اما خیلی زود برای بار سوم دستگیر و به قزوین تبعید (ربیعی، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۲) و در سال ۱۳۱۳ ه.ق درگذشت.

مستشارالدوله طی سال‌های اقامت در اروپا به زبان‌های روسی، انگلیسی و فرانسه تسلط پیدا نمود و از راه تسلط به این سه زبان بود که با آثار متفکران انقلابی روسیه، انگلیس و فرانسه آشنا شد. حاصل این آشنایی تألیف رساله یک کلمه بود که پایه‌های استبداد ناصری را به لرزه درآورد (هدایتی، ۱۳۸۱: ۳۹). این رساله، مبنایی نوین برای حقوق و قانونگذاری نوین در ایران و نیز از مهمترین پیش‌زمینه‌های حقوقی و فکری نهضت مشروطه‌خواهی بود (ازغندی و عامری‌گلستانی، ۱۳۸۹: ۳۹).

منابع

- آبدی، دون (۱۳۸۸)، *پدیدارشناسی تکنیک*، ترجمه مرادفرهادپور و صالح نجفی، جستاری‌هایی در *رسانه، فناوری و رسانه*، ج ۱، قم: دانشکده ادیان و مذاهب.
- آجدانی، لطف‌الله (۱۳۸۷)، *روشنفکران ایران در عصر مشروطیت*، تهران: اختران.
- ازغندی، علی‌رضا؛ عامری گلستانی، حامد (۱۳۸۹)، «مبانی اندیشه قانون‌گرایی میرزایوسف‌خان مستشارالدوله»، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، سال دوم، ش ۴، پاییز: ۶۲-۲۷.
- اباذری، یوسف (۱۳۷۷)، *خرد جامعه‌شناسی*، تهران: طرح نو.
- اسلامی، روح‌الله؛ ذوالفقاریان، فاطمه (۱۳۸۹)، «حکومت‌مندی در تاریخ فلسفه سیاسی»، پژوهش سیاست نظری، دوره جدید، ش نهم، بهار: ۱۹-۱.
- اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۴)، «دولت مشروطه و حکومت‌مندی مکانیکی»، *دولت‌پژوهی*، بهار، سال اول، شماره ۱: ۱۷۶-۲۱۴.
- پاشازاده، غلامعلی (۱۳۹۱)، *در جستجوی قانون (میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله)*، تهران: انتشارات علم.
- پالمبو، آتونبو (۱۳۸۸)، «فرایندهای سیاسی: حکومت، دستگاه اداری و بروکراسی»، در *راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی کیت نش*، ج ۱، ترجمه محمد خضری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴)، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران: امیرکبیر.
- دیلمی معزی، امین (۱۳۹۱)، «بررسی دلایل فکری و نظری شکست مشروطه اول»، *تاریخ‌پژوهی*، سال چهاردهم ش ۵۲، پاییز: ۲۳۸-۲۱۷.
- ربیعی، منیژه (۱۳۸۶)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تخلص و بازنویسی تاریخ بیداری ایرانیان اثر ناظم‌الاسلام کرمانی، تهران: میراثبان.
- سلیمانی‌دهکردی، کریم؛ رفعتی‌پناه مهرآبادی، مهدی (۱۳۹۳)، «مفهوم آزادی نزد روشنفکران ایرانی پیش از مشروطه»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، زمستان، سال ششم، ش ۲۲: ۷۶-۵۳.
- شاه‌محمدی، روح‌الله (۱۳۹۴)، *مبانی دولت مدرن در اندیشه متفکران عصر مشروطه*، تهران: آدابوم.
- طالبیان، یحیی (۱۳۷۸)، «ریشه‌یابی اندیشه میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله»، *مجموعه مقالات نهضت مشروطه ایران*، ج ۱، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- طاهری‌مقدم، سیدمحمد؛ بوچانی، ابراهیم (۱۳۹۴)، «میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله و تأملی بر اندیشه‌های آموزشی او»، *پژوهشگاه علوم/انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال ششم، ش اول، بهار و تابستان: ۷۳-۸۸.

- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۹۱)، حکومت‌ناصری در گفتمان‌های نو، تهران: انتشارات هیرمند.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۴)، سرآغاز نواندیشی معاصر (دینی و غیردینی)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- قدیانی، عباس (۱۳۹۲)، نگاهی کوتاه به قیام‌های سیاسی و مذهبی در ایران؛ از عباسیان تا انقلاب اسلامی، تهران: یادداشت.
- قره‌داغی، معصومه (۱۳۸۳)، «زندگی و اندیشه میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله»، علامه، ش ۱ و ۲، بهار و تابستان: ۲۷۹-۲۹۰.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۵۷)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مزینانی، محمدصادق (۱۳۸۹)، تمایزات مشروطه‌خواهان مذهبی و غربگرا با تطبیق بر انقلاب اسلامی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- مستشارالدوله، میرزایوسف‌خان (۱۲۸۷)، رساله یک کلمه، نسخه خطی، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ممتحن‌الدوله، مهدی‌خان (۱۳۶۵)، رجال وزارت خارجه عصر ناصری و مظفری، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- موتقی، احمد (۱۳۸۵)، نوسازی و اصلاحات در ایران از اندیشه تا عمل، تهران: قومس.
- هدایتی، علی (۱۳۸۱) «یوسف‌خان مستشارالدوله و رساله یک کلمه»، پیشینه، ش ۲، بهار: ۳۹-۴۰.
- Dean, Mitchell (1999), *Governmentality: Power and Rule in Modern Society*, London: Sage Press.
- Dupont, Danica; and Frank Pearce (2004), *Foucault Contra Foucault*, Reading the Governmentality, London: Sage Publication.
- Foucault, Michel (2007), *Security, Territory, and Population: Lectures at the College de France, 1977-78*, New York: Palgrave Macmillan.
- Lagenddik, Arnood (2009), "shift in governmentality, territoriality and governance, an introduction ,university of nijmegen", sprigner science.com.